

<https://www.aftabekherad.ir>

Hope; Conceptualization and Exploration in Religious Thought and Discourse

Cultural sector

Received: 2021/05/01

Accepted: 2021/05/27

Abstract

Religions are heralds of a world with meaning, with man at its center. This approach is a fundamental principle in Abrahamic religions, which is manifested in the holy books. Faith is part of meaning, and meaning is fundamental to the perception and understanding of oneself, the world, and the Creator of existence. The directionality of the movement of life, and the purposefulness and finality of man are fundamental to the importance of the issue of hope in Abrahamic religions. Contrary to some philosophical views, hope in religion is not only an illusory, deceptive illusion, but is also the driving force and fundamental factor for human dynamism, finality, transcendence, and truth-seeking. Hope is in fact the fulfillment of the divine promise to man, which in the final movement leads to reaching the source of the purpose. In Islamic thought, the issue of hope can be emphasized in several fundamental principles: 1- The continuity between meaning, hope, and faith; 2- The activity of hope and its functional effects on human movement and dynamism; 3- The rationality of hope as a foundation for rational thinking and rationality in the process of hopefulness, and not illusion and delusion; 4- The conjunction between fear and hope as two complementary elements in human choices, selections, and activity; 5- The pervasiveness of the discourse of hope in all aspects and dimensions of individual and social life; 6- Hope as an individual and social construct that is constructed, embodied, and transcended in social, religious, and communicative processes. In this report, an attempt has been made to conceptualize hope, using perspectives and theoretical foundations in the fields of psychology and sociology, and to examine the issue of hope by referring to divine verses and the beliefs of Abrahamic religions. Its dimensions and foundations have been analyzed and explained.

Keywords: Hope, rationality, inclusion of hope, meaning, faith, action.

امید؛ مفهوم شناسی و کاوش در اندیشه و گفتمان دینی

بخش فرهنگی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۶

چکیده

ادیان منادی جهانی با معنا هستند که انسان در کانون آن قرار دارد. این رویکرد در ادیان ابراهیمی یک اصل اساسی است که در کتب مقدس تجلی دارد. ایمان بخشی از معناست و معنا بنیانی برای ادراک و فهم از خویشتن، جهان و خالق هستی، جهت مند بودن حرکت حیات و هدفمندی و غایت‌مندی انسان بنیانی است برای اهمیت مسأله امید در ادیان ابراهیمی. امید در دین بر خلاف برخی نگرش‌های فلسفی نه تنها یک امر موهوم، فریب‌دهنده واهی نیست، بلکه موتور محرکه و عامل بنیادین برای پویایی، غایت‌طلبی، تعالی‌جویی و حقیقت‌خواهی انسان است. امید در حقیقت تحقق وعده الهی به انسان است که در حرکت نهایی به رسیدن به منشاء مقصود منتهی می‌شود. در اندیشه اسلامی مسأله امید در چند اصل بنیادین قابل تأکید است: ۱- پیوستگی بین معنا، امید و ایمان ۲- کنش‌مندی امید و آثار کارکردی آن به حرکت و پویایی انسان ۳- عقلانیت امید به عنوان بنیانی برای خرداندیشی و عقل‌اندیشی در فرایند امیدورزی و نه موهوم‌طلبی و وهم‌اندیشی ۴- تلازم بین بیم و امید به عنوان دو عنصر مکمل در انتخاب‌ها، گزینش‌ها و کنش‌مندی انسان ۵- فراگیری گفتمان امید در تمامی شئون و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی ۶- امید به عنوان سازه‌ای فردی و اجتماعی که در فرایندهای اجتماعی، دینی و ارتباطی، ساخته می‌شود، تجسم‌یافته و استعلا می‌یابد. در این گزارش تلاش شده است ضمن مفهوم‌شناسی امید با استعانت از نگرش‌ها و بنیان‌های نظری در حوزه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی، با استعانت از معارف دینی و رجوع به آیات الهی و باورهای ادیان ابراهیمی، مسأله امید مورد موشکافی قرار گیرد و ابعاد و بنیان‌های آن تحلیل و تبیین گردد.

کلیدواژه‌ها: امید، عقلانیت، شمولیت امید، معنا، ایمان، کنش‌مندی.

مقدمه

امید از نگاه دین تاکنون مورد شرح و توصیف گوناگون قرار گرفته است. مفهوم‌شناسی امید در چارچوب دین علیرغم اینکه در برخی نظریه‌پردازان به یکدیگر نزدیک می‌شود، اما بطور کلی بویژه با آن بخشی از فلاسفه و اندیشمندانی که متفکر امید و اثربخشی آن هستند، دارای تعارضات بنیادینی است. تاکنون از نگاه دینی مفهوم امید به گونه‌ها و توسط نظریه‌پردازان متفاوت مورد بحث و نظریه‌پردازی قرار گرفته است که امکان ورود به تمامی این تفکرات نیست. امید در ادیان توحیدی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است و تمامی نحله‌های مسیحیت، اسلام و یهودیت با نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت مسأله امید را به عنوان یک مفروض بنیادین در اندیشه دینی مورد تأکید قرار داده‌اند. اساساً جهت‌گیری ادیان ابراهیمی به جهان مبتنی بر هدف‌داری و پیوند بین این جهان با متافیزیک و رابطه این جهانی و آن جهانی است. به همین دلیل مسأله رستاخیزشناسی، معاد و رستگاری در تمامی این ادیان کانون توجه نظری و تحلیلی قرار دارد. یورگن مولتمان از نظریه‌پردازان مسیحیت در این باره بیان می‌دارد: «در مسیحیت نه فقط در بیان نهایی، بلکه از ابتدا تا انتها، مبتنی بر رستاخیزشناسی است، مبتنی بر امید است» (Moltmann, 2002: 2).

رستاخیزشناسی به گونه‌ای در نگرش مسیحیت اهمیت یافته است که دیکشنری انگلیسی اکسفورد آن را در ۴ عنوان کلی مفهوم‌سازی می‌کند «رستاخیزشناسی با چهار امر اساسی مرتبط است. مرگ، داوری، فلک و هستی و عالم پس از مرگ (بهشت و دوزخ)» (Palm, 2012: 6). و تیندر (Tinder) نیز تأکید می‌کند «مسیحیت قطعاً یک دین امید است» (Tinder, 1999: 10). تعدادی از متألهان مسیحی امید را لنگر و بنیان روح و استحکام آن ارزیابی می‌نمایند. هبریز (Hebrews) تأکید می‌کند «ما امیدی را داریم که لنگر روح، استواری و امنیت است» (Palm, 33). پاپ بندیکت درباره اهمیت امید در تفکر مسیحی اینگونه اظهار می‌دارد: «امید کلید جهان در ادیان مسیحی است و پیوندی بین «امید» و «ایمان» وجود دارد» (همان، ۳۳). مسیحیان تنها ملت امیدوار نیستند، بلکه امید در همه زنده است و برای همه انسانهاست» (همان). بنابراین مسیحیت به این دلیل پارادایم اساسی خود را بر امید استوار ساخته است که امید بنیانی در حقیقت هستی است که به عنوان روح مسلط بر هستی فردی و جهان و کیهان است. خصلت و بنیاد ماهیت‌شناختی و هستی‌شناختی انسان را تشکیل می‌دهد. چرا که خداوند سرچشمه امید است (Source of hope) هم برای مسیحی و هم برای غیرمسیحی. خداوند خالق انسان است و امید را به عنوان ماهیت و ودیعه‌ای تعمیم یافته در سرشت بشر نهفته است. اگر ما باور داریم که پیام امید پیام خداست، پس باید باور داشته باشیم که خداوند امید را در قلب همگان اعم از

مسیحی و غیرمسیحی قرار خواهد داد. مولتمان درباره جایگاه امید در تفکر مسیحی اینگونه بیان می‌دارد: «امید نهایی‌ها به عنوان یک مسیحی، همزمانی یک امید تاریخی برای جهان به عنوان جایی که خداوند در آن حاضر و ناظر است و جایی که خداوند آن را رهایی خواهد داد و به نهایت خواهد رساند و نه جایی که آن را نابود کند» (Moltmann, 1967). به تعبیر دیگر امید نوعی تحقق وعده الهی برای بشریت است که حرکت نهایی بشر به سوی نهایی است که به وصال و پیوند با خداوند می‌انجامد. مولتمان معتقد است وعده الهی تخلف‌ناپذیر است و در غایت جهان تحقق می‌پذیرد. علت تأکید مسیحیت به رستاخیزشناسی همین روح امید است که بر تمامی تمایلات، حرکت تاریخی، جهت‌گیری رفتاری و اعتقادی بشر سایه افکنده است. مولتمان حتی در تبیین نوع نگرش به جهان ابراز می‌دارد «ها از شرایط کنونی و حال به آینده نگاه نمی‌کنیم بلکه از آینده به اکنون می‌نگریم» (Moltman, 1975:52). «ما پیش‌بینی می‌کنیم آینده را در شرایط کنونی» (Moltman, 1975:52).

۱- امید، ایمان و معنا

امید در نگاه متفکران خداپاور ریشه در ایمان دارد و ایمان به تعبیر کی‌یرکگارد «مومن کسی است که عاشق باشد، چرا که اعتماد لازمه ایمان است که در ذات خود شکلی از عطفوت یا از خودگذشتگی‌هاست. ایمان عبارت است از اعتقادی تزلزل‌ناپذیر که خلاصی از آن ممکن نیست و اعتقاد به اینکه انسان هرگز موجودی وانهاده نیست، بن و اساس امید است» (ایگلتون، ۱۳۹۸: ۸۲). اما فردی مثل سیولی معتقد است «ایمان پیش‌نیاز امید است و یا ایمان یکی از اجزای اصلی تشکیل دهنده امید است» (سیولی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). بنابراین از نگاه برخی از اندیشمندان ایمان و امید چنان به یکدیگر پیوند خورده‌اند که انفکاک و تمایز آنها امکان‌ناپذیرند. کلنت و استوارت میل بیان می‌دارند: «این امید به خداوند است که موجب می‌شود وجود وی را مسلم فرض کنیم» و میگوئیل اونامونو می‌گوید «ها ایمان داریم زیرا امیدواریم» (ایگلتون، ۱۳۹۸: ۸۳). بنابراین معنویت، ایمان و امید در نزد برخی از صاحب‌نظران به یکدیگر پیوند می‌خورد. دیپاک چوپرا در زمینه معنویت و ایمان به خدا معتقد است رشد معنویت انسان باعث تعمیق درک انسان از خداوند شده و انسان روح خداوند را بیشتر در خویش و زندگی خود احساس می‌کند. او می‌گوید وجود خداوند را در هفت مرحله درک می‌کنیم «خداوند محافظ، خداوند قدرتمند، خداوند آرامش، خداوند درمانگر، خداوند خالق، خداوند معجزات و خداوند محض» (سیولی: ۱۳۳). تمامی این صفات که برای خداوند بیان شده است مقوم و موجد روح امید در فردیست

که به ایمان و باور به خداوند رسیده است. هیوستن اسمیت نیز درباره کارکرد و جایگاه ایمان در وجود آدمی اینگونه اظهار می‌دارد:

«ایمان به مؤمن امکان دستیابی به نور واقعیت متعالی را می‌دهد که از دسترسی افراد بی‌ایمان دور است» (همان: ۱۳۱). گابریل مارسل نیز از «امید مطلق» سخن می‌گوید که از تمامی اهداف فراتر می‌رود و هیچ حد محدودی ندارد. «امید بر این نکته تأکید دارد که در ذات هستی، در فراسوی همه دانش‌ها، در پس تمامی حسابگری‌ها و انتظارات، بنیان و اصلی رازآلود وجود دارد که با من همدستی دارد» (گابریل مارسل، ۱۹۹۵، به نقل از ایگلتون ۱۱۱). از نگاه مارسل امید مطلق تمامی حسابگری‌ها، برآوردها و عقلانیت ابزاری را تحقیر می‌کند و خود را به هیچ حد و مرزی محصور نمی‌کند اطمینان تزلزل‌ناپذیر که او آن را «امنیت متافیزیکی محض می‌نامد» (همان: ۱۱۱). امید مطلق از باور برمی‌خیزد. از یک اعتقاد بی‌نهایت، از یک هسته وجودی و فطری و سرشتی که در ذات و ماهیت آدمی ریشه دارد. این سرشت فرای تمامی برآوردهای منطقی و اندیشه‌ورزی‌های معرفتی قرار دارد و می‌تواند بر ویرانه‌های تمامی حسرت‌ها، آرزوها و امیال ققنوس‌وار سربراورد. این نوع امید هر نوع یأس، تحلیل‌های روانشناختی، پردازش‌های علمی را تحقیر می‌نماید و خود را محصور به هیچ قید و شرط و حصاری محدود نمی‌کند. همانطوریکه بیان شد، مارسل معتقد است این نوع امید در پی اطمینانی تزلزل‌ناپذیر است که دارای سه سرچشمه اساسی است: ۱- ایمان ۲- فطرت و سرشت بشر ۳- ریشه ماهوی انسان یعنی امنیت متافیزیکی محض. امید مطلق هرگز تیره نمی‌شود و در حقیقت یک میل و خواست بی‌نهایت برای رهایی و رسیدن به آمال و آرمان‌هایی است که روح انسانی مداوماً به آن میل می‌نماید و به سوی آن پرواز می‌کند. در امید مطلق مسأله اطمینان را جایگزین امور تجربی می‌کند و امید به مثابه نوعی ایدئولوژی است و عاملی برای استواری خویشتن و بی‌اعتنایی به هر عامل یأس‌آور.

در عین حال مارسل از نوعی امید سخن می‌گوید که آن را «امید بنیادین» می‌نامد و منظور این است که «این نوع امید مطلق نیست، بلکه ناکامی و شکست در آن راه دارد، اما انسان در برابر آن دست از مقاومت بر نمی‌دارد، گشودگی هدفمند و مبهم از آینده همچنان در آن وجود دارد» (ایگلتون: ۱۱۴).

آنچه در امید دینی اهمیت بنیادین دارد سه بنیان اساسی است، «امید»، «اعتماد» و «ایمان». این نوع پیوند در رفتار پیامبران کاملاً قابل مشاهده است. خداوند به موسی می‌گوید از نیل عبور کن، کانت از کسی سخن می‌گوید که بدون آنکه از چگونگی تحقق امیدش آگاهی داشته باشد، اعتماد می‌کند. موسی با لشکر خود به نیل می‌زند چون اعتماد دارد، مخبر را صادق

می‌داند و همین اعتماد است که ابراهیم را به سوی قربانگاه می‌برد تا فرزند خویش را با دست‌ان خود قربانی کند و در مورد عمل سایر پیامبران نیز همین خصوصیت اعتمادآفرین، بنیان امید و کنش آنها را سبب می‌شود. این ایمان و اعتماد است که خطر و ریسک اعتماد را برای آنان از بین برده و با امید مطلق به خالق هستی، رفتار خویش را بدون تزلزل انجام می‌دهند. رانر تأکید می‌کند «امید با تقویت اعتماد این امکان را برای ما فراهم می‌آورد تا پیوسته از حال به آینده در حرکت باشیم» (همان: ۱۱۸). شاید علت اصلی که مرگ برای مؤمنان امید است و برای نومیدان تباهی، جهنم و حیرانی همین است. اینجاست که مسأله «امید»، «ایمان» و «معنا» پیوندی بنیادین می‌یابند و کسانی که معنایی برای خویش تصویر نکرده و محصور به تفکرات این جهانی و نگرش‌های مادی‌گرایانه شده‌اند، تصویر و اطمینان چندانی به آینده ندارند و این همان حیرت و پوچ‌گرایی است که در خداناباوران منشاء تزلزل‌های روانشناختی و اختلالات عظیم معناشناختی می‌گردد. پوچ‌گرایان نیهلیست هیچ معنایی ندارند و هر معنایی آنها را آشفته و دچار دل‌آشوبی می‌کند. آنان در آفرینش بی‌ثمری دست و پا می‌زنند که نمونه کاملی از بیهودگی، حیرانی، آشفستگی کامل روانی، ذهنی و دم‌غنیمت‌شماری‌های عاری از تعالی‌جویی است. اینان نه تنها ترسیم روشنی از آینده ندارند که حتی زندگی را نیز برمبنای مانایی و پایایی بشر در حقیقت هستی در نظر نمی‌آورند و نه می‌توانند برای خویشتن جهان و آینده‌ای را تصور کنند که با اتکاء به آن خویشتن را تعریف و برای زندگی و حیات معنایی بیابند. به تعبیر کی‌یرکگور «این شکل از نومیدی می‌خواهد با نفرت ورزیدن به هستی، خودش باشد، در چارچوب بدبختی خود، خودش باشد، حتی به صورت مقابله یا به شکل مبارزه‌طلبانه نمی‌خواهد خودش باشد، بلکه از سر بغض و کینه می‌خواهد خودش باشد، حتی نمی‌خواهد به صورت مقابله خود را از قدرتی که مفروضش داشته بگسلد، می‌خواهد از سر بغض و کینه مزاحم این قدرت شود. از شرارت به آن چنگ زند... با شورش علیه کل هستی تصور می‌کند سندی برضد آن و برضد خیر بودنش دارد. شخص نومید گمان می‌برد که خود او این سند است و آن چیزی است که می‌خواهد باشد. بنابراین می‌خواهد خودش باشد، خودش همراه عذابش، تا با این عذاب علیه کل هستی اعتراض کند» (ایگلتون: ۱۲۹، به نقل از کی‌یرکگور: ۱۵۵). اینان از یک خلاء وجودی و ماهوی در رنج‌اند و هرگز راهی برای برون‌رفت از آن نمی‌یابند. باز هم کی‌یرکگور دربارهٔ آنان بیان می‌دارد: در مرکز هستی انسانی (در دل آدمی)، خلاء واقعی وجود دارد که خداوند در آن خود را به تجلی درمی‌آورد و مواجهه با این خلاء و مغاک هولناک است که تنها طریق رسیدن به امید است... تنها افراد معدودی هستند که هستی‌های خویش در هر مرتبت روحی را زندگی می‌کنند. غالب انسانها در وضعیت

بلاواسطگی، خنثی زندگی می‌کنند. توده‌ها به ایمان پشت می‌کنند و به جای آن عادات و اخلاق اجتماعی قراردادی روی می‌آورند. این همان وضعیت «کسان» (das man) در فلسفه هایدگر (از من جدا شدن و همچون توده شدن) با بدسگالی یا نفاق معصومانه در فلسفه سارتر (مخالفت با چیزی که خود هم یکی از مظاهر آن هستی) است که در آن آدمیان به قدرت آگاهی کاملی از خویشتن خود به عنوان سوژه‌هایی که نومیدی را تجربه می‌کنند» (همان: ۱۳۰). نولان (Nolan) نیز همین موضوع را به گونه‌ای تأکید و امید را ریشه در اعتماد و اعتماد به خداوند می‌داند «اساس امید انسانی به خدا و اعتماد به خدا استوار است» (Palm: 55).

در این نگرش «اراده الهی» و «خیر مشترک» به عنوان دو بنیان اساسی امید در زیرساخت اعتقادات دینی ریشه دارد. کشیشیان تأکید می‌کند خدا بنیاد حیات و هستی است و اوست که خالق حیات و بنیان امید است. «خدای حیات از طریق فرایند حیات شناخته می‌شود، این خدائست که خالق حیات است، خدای نیرو و قدرت فراوان و حرکت بسیار، این خدا اساس امید ماست» (Keshgeqian, 2006:22). این گفتار کشیشیان نیز همانند سایر خدایان اساس امید را به خداوند منتسب و بنیان آن را در خلق خداوند و نسبت و رابطه او با جهان و انسان تعریف می‌نماید. سنت آگوستین همانقدر که نومیدی و یأس را بنیانی برای تباهی و فروپاشی بشری می‌داند، امید کاذب را نیز تقبیح می‌نماید. «دو چیز وجود دارد که روح را به تباهی می‌کشاند، یأس و امید کاذب» (Augustine, 1959: 873).

برخی از افراد همچون کلی (Kelly) معتقدند که امید تنها امری فردی نیست، بلکه از نگاه دینی امید امری اجتماعی است که مؤمنان و معتقدان باید مستمراً آن را به یکدیگر منتقل و امید را برای یکدیگر زنده نگهدارند. «امید یک معنویت‌گرایی یا عضویت فردگرایانه نیست بلکه یک حیات و زندگی مشترک است «خدای امید بر امید مشترک بین خلق خدا تأکید و تمرکز دارد.... اجتماعات دینی باید مروج فرهنگ امید باشند» (Kelly, 2006: 211).

از نگاهی دیگر می‌توان تأکید کرد امید در نگاه خدایان و پیامبران الهی یک کلان روایت (meta narrative) از نظام هستی و جهان و انسان است. غایت‌گرایی، رستاخیز‌گرایی، معاداندیشی، رمز یگانگی گفتمان و رویکرد پیامبران به مسأله امید و رستاخیز هستی است. اما این امید در فرایند زمان و بر مبنای کنش انسان و باور درونی به آن ساخته و امکان تحقق می‌یابد. بنابراین گرچه امید خود یک فضیلت است اما باور به آن هم یک فضیلت و بخشی از ایمان دینی است. بنابراین امید می‌تواند در عین حال که یک کنش درونی و یک امر پیشینی ماهوی در سرشت و ماهیت انسانی باشد. در عین حال امید یک برساخته است که مداوماً توسط اجتماعات ساخته و در ناخودآگاه فردی و جمعی بازتولید شده، تداوم و تکامل می‌یابد

و شکل تحقق می‌گیرد. گاهی با شکست امید است که انسان به قعر دره‌های هولناک شک، بی‌معنایی و پوچ‌گرایی سوق می‌یابد و امید و پویش انسانی به تباهی و فروپاشی می‌انجامد. سرچشمه حرکت جهان، اراده الهی است که در کنش، اراده، میل رفتاری، انگیزش‌ها و ایمان انسانی تجلی می‌یابد. کنش انسان به رفتن، خواستن، رسیدن و به غایت دست یافتن تماماً بنیان اراده معطوف به امید است که در کنش انسانی تجلی دارد. همانطوریکه ارنست بلوخ می‌گوید: «امید امری جوهری در تمام هستی است و به هر سو که بنگرید، از قصه‌های عامیانه گرفته تا اسطوره‌ها و آئین‌های رازورزانه، مذهب، هنر، تجسم، الهامی از فضا می‌توان آن را دید» (ایگلتون، ۱۸۴). اگر امید را جوهری اساسی برای هستی در نظر بگیریم آنگونه که پیامبران و دین بر آن تأکید دارد، به تعبیر بلوخ رستاخیز دلیلی است برای جاودانگی (همان: ۱۸۳). امید به جاودانگی هستی، امید به غایت و امید به کمال، مرحله‌ای بی‌نهایت است که تا هستی لایتناهی تداوم دارد. حرکتی به سوی بی‌نهایت از عشق، دانش، علم، آگاهی و میل به رسیدن به کمال مطلق. این نوع امید که از دین سرچشمه می‌گیرد نوعی امید استعلایی است، یعنی غایت امید، کمال و تعالی است. این نوع امید پاره‌ای از جهان هستی است، غایت امید عبارتست از کمال انسان. انسان در سیر تکاملی خویش صورت‌های متفاوتی از هستی را ادراک می‌کند، اما آن را تنها به عنوان یک صورت از حقیقت و نه تمام حقیقت و واقعیت ادراک می‌کند. به میزانی که انسان به پیش می‌رود، می‌اندیشد، ایده‌پردازی می‌کند، رازدایی می‌کند و رموز هستی را می‌شکافد، این صورت‌ها متکامل‌تر، هیجان‌انگیزتر و با انباشته‌های دانش، مکشوفات و معلومات بیشتر همراه است درعین حال با پیچیدگی بیشتر هستی آشنا می‌شود. در این مسیر بی‌نهایت تنها امید است که تضمین حرکت و موتور محرکه آن است. غایت امید، کمال است، اما کمال‌یابی پایانی ندارد، چون خالق امید و فعل او بی‌نهایت است، چون کمال بی‌نهایت است. به همین دلیل امید هم مداومت دارد و به سوی بی‌نهایت میل می‌نماید. حتی خرد ابزاری و حسابگری‌های اثبات‌گرایانه خود ابزار و وسیله‌ای در خدمت این روند تکاملی و پویش بی‌نهایت انسانی قرار دارند. انسان می‌آزماید، تجربه کسب می‌کند، فراچنگ می‌آورد، حرکت می‌کند و می‌پوید تا در مسیری بی‌نهایت حرکت کرده و راه خویش به سوی کمال را بیابد.

در اندیشه اسلامی به عنوان یکی از ادیان الهی، خداوند در معرفی خود رحمانیت، رحیمیت، غفاریت، غفوریت، کریمیت، ... را به عنوان صفات اصلی و اثباتی خداوند ترسیم و تصویر می‌نماید و با افعالی به کار می‌برد که مبالغه در آن وجود دارد، یعنی بسیار بخشنده، بسیار مهربان، بسیار گشاینده، امید از رحمت خداوند سرچشمه می‌گیرد که از بنیان‌ها و صفات الهی از ملزومات الوهیت اوست و این اعتقاد نوعی اعتقاد مطلق است. چرا که ریشه در

سرشت، فطرت و ماهیت آدمی دارد که از حقیقت هستی انسان سرچشمه می‌گیرد. از نگاه معرفتی، سؤالی که مطرح است و خداپاوران بر آن تأکید دارند این است که آیا عشق امری دوطرفه است و یا اینکه صرفاً از جانب انسان به سوی خدا جهت می‌یابد. آیا اساساً عشق، کشش و پیوستگی یک طرفه امکان‌پذیر است، ادیان ابراهیمی و توحیدی عشق را پدیده‌ای خلق شده از جانب خالق می‌دانند. کشش دوجانبه که خالق کامل نیز به سوی مخلوقات بویژه انسان به عنوان اشرف مخلوقات گرایش دارد. خلاء وجودی انسان از طریق همین کشش و عشق دوجانبه است که میل به پرواز پیدا می‌کند. به تعبیری دیگر اساس عشق از معشوق آغاز می‌شود نه از عاشق (جمله معشوق است و عاشق پرده‌ای / زنده معشوق است و عاشق مرده‌ای)^۱. امید در این تلقی خصلتی تخلف‌ناپذیر است که از جانب معشوق آغاز می‌گردد نه از جانب مخلوق. این همان مسأله‌ای است که در حقیقت ایمانی خود را پدیدار می‌سازد که در معناشناسی و درک از هستی، وجود و انسان خود را متجلی می‌سازد. بی‌معنایی، بنیان یأس و عدم قطعیت است و نومید به دلیل حیرانی ناشی از بی‌معنایی دچار آشفتگی‌های ذهنی - روانی و تلاطمات معناشناختی و غایت‌شناختی می‌گردد. نومید کسی است که: ۱- سلطنت خداوند را انکار می‌کند ۲- تلقی‌ای از هستی و خالق آن ندارد ۳- هستی را فاقد جهت و تعالی می‌داند ۴- هیچ تصویر روشنی از آینده جهان، جاودانگی، انسان و غایت آن ندارد ۵- امید را امری خیال‌پردازانه، ذهنی دانسته و هر نوع معنا او را دچار آشفتگی، تشویش و اضطراب وجودی و ماهیت‌شناختی می‌نماید و بالاخره ۶- هیچ امر اطمینان‌بخشی که بتواند منشاء پایداری بوده و عاری از عدم قطعیت باشد در جهان هستی نمی‌یابد. بنابراین تمایز بنیادینی بین رویکرد و درک دین و غیردین از هستی وجود دارد. «آنچه دیدگاه دینی را در باب هدف با ارزش از دیدگاه غیردینی متمایز می‌کند، این است که در دیدگاه دینی همه اهداف مثبت آدمی تابع آن هدف عینی یگانه می‌گردند که همان قائل آمدن به هدف والای اتحاد با ارزش متعالی یا برقراری ارتباط با آن است. ارزش والایی که به خودی خود به صورتی تغییرناپذیر و زوال‌ناپذیر وجود دارد» (وارد، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۱). به تعبیر دیگر این معنای از هستی است که انسان را تابع یک غلیت‌گرایی و امید به آن می‌نماید. ویتگنشتاین درباره‌ی خداوند و رابطه آن با جهان می‌گوید: «درباره‌ی خدا و هدف زندگی چه می‌دانم، می‌دانم این جهان وجود دارد، می‌دانم که در آن قرار دارم به مانند چشم در جای مخصوص خودش، می‌دانم که چیزی از آن مسأله‌آفرین است که آن را معنای آن می‌دانیم، می‌دانم که این معنا در آن نیست بلکه خارج از آن است، می‌دانم که زندگی در جهان است، می‌دانم که اراده‌ی من در جهان نافذ است، می‌دانم که اراده‌ی من نیک یا بد

۱. مولوی، مثنوی معنوی

است. بنابراین این نیک و بد تاحدی به معنای جهان ربط دارد. می‌توانیم معنای زندگی یعنی معنای جهان را خدا بنامیم» (کونگ، ۱۳۹۱: ۱۳۲).

۲- امید در اندیشه دینی؛ مختصات و رویکرد

در اندیشه اسلامی تلقی از امید از جهات مختلف نیازمند تأمل و بازکاوی است. به منظور پرهیز از اطاله کلام سرفصل و کلیات رویکرد امید در اندیشه دینی و اسلامی را می‌توان در عناوین ذیل مورد تأکید قرار داد:

۲-۱- پیوستگی معنا، امید و ایمان: گرچه طرح این موضوع سرفصل گسترده‌ای است که امکان شرح آن در این مقال وجود ندارد، اما همانگونه که پیش از آن به آن اشارت شد، امید بدون ایمان و معنا راه به عبث می‌برد. انسان در متن هستی و حیات تعریف می‌شود و نه جدای از آن، گذشته و آینده یک مجموعه به هم پیوسته از مسیر حرکت تاریخی و تکاملی انسان به سوی تعالی و غایت است و حرکت انسان به سویی است که این جهان و جهان پیش رو و پس از مرگ را با مفهوم جاودانگی به یکدیگر پیوند می‌زند. در اندیشه دینی الوهیت الهی مسبوق به روز نخستین و الست بوده است که انسان بر حقیقت الهی شهادت داده است. در انسان میل به بی‌نهایت نهفته و با سرشت انسان آمیخته است. خود، جهان، خداوند و هستی در چارچوبی مشترک تعریف و معنا می‌یابد و انسان موجودی هدفمند و غایت‌گراست که در متن هستی و جهانی که خالق دانا و هدایتگر دارد، تعریف می‌گردد. اما سؤال این است که آیا سرشت انسانی سرنوشت او را رقم زده است و انسان منکوب اراده الهی است یا اینکه این افعال و اراده ماست که می‌تواند از طریق کنش‌های بشری سرنوشت و کیفیت شخصیتی و الگوی معنانشناختی و ادراکی ما را برسازد. ایمان بنیان آرامش، معنا و اطمینان درونی است.^۱ سیرت و سرشت آدمی به گونه‌ای با یاد و نام و هستی الهی پیوند خورده است که تنها در پرتو پیوستگی و اتکال به اوست که این ضمیر روشن و آگاه و به اطمینان و سکینه درونی دست می‌یابد. گویی این پیوستگی و دلبستگی نفیر و پیامی است که مستمراً از جانب آن منبع اعلی متوجه روح و قلب آدمی می‌شود.^۲ بنابراین امید وجهی از معناست که در ایمان تبلور یافته و در غایت حرکت و جاودانگی انسان به سوی مبدأ هستی و منتهای جهان و کیهان، عروج کرده و در مأمّن حقیقی خویش روند تکاملی خود را تداوم خواهد داد.

۱. الا بذکر... تطمئن القلوب (جز با یاد و ذکر خدا دلها آرام نمی‌گیرد)

۲. تو را از کنگره عرش می‌زنند نفیر (حافظ)

بنابراین از نگاه دینی، ایمان، امید و ارتباط روحی بین انسان و خالق پیوندی ناگسستنی و با سرشت و ضمیر انسانی که حقیقت وجودی او را می‌سازد، وجود دارد. گسستگی از خداوند است که منشاء حیرانی، یأس، سرخوردگی، پوچی و بریدن از مبدأ و حقیقت روحی و ذاتی انسان می‌گردد. تلاطمات و طوفان‌های درونی از آن ناشی می‌شود. این تفکر در معنای هستی و خالق آن هدفمندی را بنیان اساسی و هویتی حیات نامیده و رحمت، شفقت، بخشندگی و دستگیری و هدایت را جزو صفات ذاتی خداوند تعریف نموده و آن را عاملی برای حضور در پیشگاه خداوند و بهره‌مندی از این ذات بی‌نهایت بخشنده می‌گردد. سنت آگوستین می‌نویسد «بدون امید عشقی وجود نخواهد داشت و بدون عشق امیدی» (ایگلتون: ۸۲).

۲-۲- کنش‌مندی امید: یکی از وجوه ممتاز امید دینی، نقش کنش‌مندی امید است که کسب موفقیت، تحقق اهداف مبتنی بر تلاش، ممارست و کاوش و پویایی و تلاش انسان است. بهشت را به بها دهند، به بهانه ندهند که جمله معروفی است در میان دین‌داران و متضمن همین نکته است که بدون کوشش، و با اتکاء به امید واهی و کاذب و یا فروافتادن در دام‌های تاریکی، خوش‌بینی‌های عاری از جهت‌مندی و عقلانیت، انسان نه تنها راه به حقیقت وجودی خویش نمی‌یابد بلکه طبق باورهای دینی راه به تباهی است. مسأله صبر، پایداری و استقامت که بارها در قرآن تکرار شده است^۱، شاخصی از کنش‌مندی و تلاش انسان برای رسیدن به مراتب هویتی، معناشناختی خود است. در عین حال کنش‌مندی انسان تنها با صبر و استقامت تعریف نمی‌گردد. «جهاد» برای پیشبرد علم، اندیشه، دستیابی به جامعه‌ای سالم، تحقق حقیقت وجودی انسان... قریب به ۴۰۰ بار در قرآن تکرار شده است. این جهاد هم شامل مجاهدت‌ها و تلاش‌های فردی است و هم جمعی، هم روحی و ذهنی است و هم مبتنی بر کنش، هم ابعاد اقتصادی را در بر می‌گیرد و هم ابعاد اجتماعی، فردی و سیاسی را. واژه‌هایی همچون «انفاق»، «تعاون»، «امر به معروف»، «نهی از منکر»، «شهادت»، «هجرت»، ... از دیگر واژه‌ها و مفاهیمی است که امید مبتنی بر کنش‌مندی و تلاش برای رسیدن به تعالی فردی، اجتماعی و همچنین تحقق وعده‌های معناشناختی برآمده از دین، است که مستمراً و با تکرار بسیار زیاد در اندیشه دینی بویژه تفکر اسلامی مورد بحث و تأکید واقع شده است. کنش انسانی خود بنیانی است برای حقایق وجودی انسان، چرا که خداوند تصریح می‌کند بدون تلاش راه به جایی برده

^۱ واژه صبر به همراه مشتقات آن ۱۰۳ بار در قرآن، در ۹۳ آیه و ۴۵ سوره تکرار شده است.

نمی‌شود، اما تلاش و پایداری عاملیست برای هدایت و حمایت خداوند^۱. امید بدون عمل همان امید بیهوده، کاذب و توهم‌آفرین است که دین آن را به شدت تقبیح و بزرگان دینی تأکید دارند، تنبلی مغبوض‌ترین و مذموم‌ترین عمل نزد خداوند است که به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است.^۲ همین نگرش را دربارهٔ افرادی که دچار خواب فراوان و یا دچار بیکاری هستند، مورد مذمت قرار گرفته‌اند. در این زمینه و تحریص انسان به تکاپو، تلاش و کاوش برای دستیابی به اندیشه، علم و دانایی مستمراً راهی به سوی رستگاری، جاودانگی و کسب مقام انسانی توسط عالمان دینی مطرح شده است. اکویناس دربارهٔ امید می‌گوید: «امید فضیلتی است که در جستجوی اهداف سخت و دیرپاب است. امید متضمن فایده‌ای در آینده است، فایده‌ای دشوار اما امکان‌پذیر» (همان: ۹۴).

۲-۳- عقلانیت امید: سؤال این است که نوع امید مورد عنایت دینی چه نوع امید است، امیدی منفعل و عاری از عقلانیت و صرفاً یک امید تعبدی و بدون انتخاب، پویایی و حسابگری یا اینکه امید دینی نوعی عقلانیت هوشمندانه و انتخاب‌گرایانه براساس محاسبات ذهنی و برآوردهای عقلانی است. اثبات اینکه امید دینی مبتنی بر عقلانیت و حسابگری است یک اصل بنیادین در عقلانیت امید دینی به شمار می‌رود که باید با جدیت مورد کنکاش و کاوش قرار گیرد. عقلانیت امید از دو منظر قابل تأمل است. «ارزش‌ابزاری امید» و «ارزش ذاتی امید». در حالیکه ارزش‌ابزاری امید از نگاه کارکردی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و ابعاد پیامدشناختی امید مورد توجه است، ارزش ذاتی به سرشت ماهوی امید تأکید دارد که در فطرت انسانی و یا هویت انسان جاریست. امید می‌تواند «واجد ارزش ذاتی باشد، زیرا به خودآگاهی، کمک می‌کند و ارزش و کرامت نفس ما را ارتقاء می‌بخشد» (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۱۲). به تعبیر دیگر امید بخشی از هویت و بنیان ماهیتی انسان است که با سرشت انسانی پیوند خورده است. یعنی در این معنا امید فقط نگاه حسابگرانه و ارزیابانه نیست بلکه انسان امیدوار است چون امید بخشی از هویت و شخصیت انسانی اوست. با این تعبیر هدف‌یابی، غایت‌گرایی و معنایابی ناشی از آن در گرو امیدوار بودن است که در وجود و هستی انسانی تعبیر و واقعیت‌های وجودی انسان را تشکیل می‌دهند. بلوزر معتقد است همه انواع امید به همین وجه بنیادین و

۱. والذین جاهدو فینا لنهیدینهم سبلنا و انا... لمع المحسنین * کسانی که در راه ما (طریق عقلانی و اندیشه‌ورزانه) تلاش نمایند ما آنها را هدایت خواهیم کرد. این تلاش اعم از تلاش برای رازدایی از عالم، اکتشافات علمی، رسیدن به جامعه‌ای سالم و هوشمند، ... است. (سوره عنکبوت، آیه ۶۹)

۲. ان... یبغض الشاب الفارغ * جوان بیکار و فارغ از تلاش، همواره مورد خشم و غضب الهی است. (المحججه‌البیضاء، جلد ۷: ۱۳۱).

هویتی امید قابل تعریف است: «عقلانیت، اعتبار و ارزش امید به دلیل تأثیرات مثبت آن نیست، بلکه به این دلیل که امیدواری سازنده آن چیزی که ما اکنون هستیم و برای حفظ و ارتقای آن تلاش می‌کنیم» (همان: ۱۱۳). با نگاهی به باورهای دینی مشخص می‌شود که هم وجه ابزاری امید به عنوان عقلانیت ابزاری و هم وجه هویتی امید مدنظر است و آیات فراوانی را می‌توان مورد اشارت قرار داد که به هر یک از این وجوه اشارت دارد. از یک سو با نگاه کارکردی - ابزاری و نگاه پیامدشناختی امید را در انسان می‌پروراند که انتهای عمل صالح و انتخاب صحیح و مدیریت خویشتن و رفتارهای خود به استعلا کمالی می‌انجامد که بهشت تام دارد. یعنی مقام امن و جایگاهی که انسان با استقرار آن اهداف و آرزوهای خویش را محقق می‌داند. از سوی دیگر توجه به ابعاد هویتی و شخصیتی انسان مکرراً و در آیات گوناگون مورد عنایت دینی است که تعریفی که از انسان ارائه می‌شود با امید و اخلاق سرشته است. به تعبیر دیگر مداوماً باورهای دینی گوشزد می‌نماید که گسستگی از مسیر صحیح و مستقیم انسان را به صراط تباهی، پوچی، بی‌خبری و حیرانی برده و او را از حقیقت هستی‌شناختی و ماهیت‌شناختی خود دور می‌سازد که به جایی می‌رسد که اساساً از مقام انسانی هبوط می‌نماید. بنابراین از نگاه کارکردی بهشت یک مکان یا یک موقعیت فیزیکی با مختصات اثباتی نیست، بلکه مقامی است که انسان با استقرار در آن حقایق سرشتی خویش را باز می‌یابد. اما در درجه‌ای بالاتر عقلانیت امید مبتنی بر هویت‌اندیشی است که مقام انسانی جز با امید قابل حصول نیست، تمامی تکاپوها، سلوک، تعالی، تحرک، استعلاجوی و تکامل‌یابی، تلاش برای رسیدن به مقامی است که انسان در حرکت تعالی جویانه و ماهوی خویش به سوی آن در حرکت است و به آن مقام عالی باید برسد. تصویر انسان بدون ادراک این مقام، دوری گزیدن و عدول از تعریف و معناشناختی انسانی است که با ذات و حقیقت انسان در تغایر است. این هر دو بعد است که هم به کمیت و هم به کیفیت زندگی و حقیقت آدمی و عقلانیت ناشی از آن منتهی می‌شود. نکته قابل ذکر این است که این دو نوع امید نه نافی یکدیگرند بلکه می‌توانند مکمل یکدیگر بوده و امید ابزاری مقدمه‌ای برای تحقق امید بنیادین و هویتی است. عقلانیت عملی امید می‌تواند بنیان مناسبی برای درک امید حقیقی از امیدهای کاذبی باشد که در بسیاری از روایت‌ها و تعریف‌ها، انسان را به سوی سراب‌های موقتی برده و منشاء سرخوردگی‌های فراوانی برای بشر است.

۲-۴- تلازم بین بیم و امید: در ادبیات دینی گرچه امید گفتمان مسلط است و خداوند هم در بیان صفات خویش به رحمت، فضل و کرامت به انسان تأکید دارد و هم در تبیین روح

حاکم بر جهان هستی بر مبنای امید و رستگاری انسانها، سخن می گوید، اما «بیم» نیز در ادبیات دینی شاخصی از ضرورت‌های کنشی انسان تصویر می شود. خداوند در قرآن با زبان‌های متعدد از امید سخن می گوید، فی‌المثل امید به لقاء خداوند^۱، امید به هدایت انسان توسط خداوند^۲، امید به فضل خداوند^۳، امید به رستگاری و نجات و فلاح انسانی^۴، امید به بخشش و رحمت الهی^۵، امید به اجابت دعا و پاسخگویی به انسان^۶، و انواع دیگر امید که گویای استیلای روح حاکم بر مناسبات الهی با انسان است. هدف آفرینش تنبیه، خوف‌آفرینی و با انتقام‌جویی از بشر نیست چرا که با فلسفه هستی و خلقت جهان در تنافر و مغایر است، بلکه هدف و فلسفه حیات، رسیدن انسان به مقام آگاهی، خودآگاهی، خداآگاهی و در یک کلام معرفت‌اندیشی و رسیدن به قله معرفت و دانش است تا از طریق آگاهی به مراتب هستی، بر حقیقت خویشتن وقوف یافته و در مسیر تکامل و تعالی به تحرک درآید. بنابراین این جهان، حرکت انسان به سوی معرفت در جهان مادی و فرایندی است که در ساختار تعالی‌اندیشی انسان تعریف و در حقیقت پلی است به جهان ابدی یا جهان‌های دیگر که فرایندهای تکاملی و تعالی‌بخشی انسانی تکمیل و تکوین می‌یابد. حفظ روحیه انسان برای پیمودن این راه پرسنگلاخ و پیچ در پیچ و سختی‌های ناشی از آن باعث گردیده خداوند از طریق ادیان الهی دائماً اقدام به تصویرسازی از انسان نسبت به خویش و راهی که باید طی کرده و به اوج قله‌های هویتی خویش برسد، می‌نماید. اساس این تصویرسازی‌ها و صورت‌آفرینی‌های مستمر که با اوصاف و فرایندهای متفاوت ترسیم می‌گردد به امیدبخشی و تکوینی بودن و یاری الهی و حمایت‌های بی‌دریغ و ایجاد بسترهای لازم برای رفع موانع از جانب خداوند است. انسان برای آنکه امیدبخشی‌های خداوندی به عاملی برای خوش‌بینی‌های افراطی و یا تن‌آسانی و استنکاف از حرکت و پویایی نباشد، اندرزها و بیم‌هایی ارائه شده است که در نقش هشدار، منشاء هوشیاری، تنبیه و دقت‌نظر انسان باشد. امام صادق (ع) در زمینه پیوند بین بیم و امید چنین می‌گوید: «مؤمن اهل ایمان نخواهد بود، مگر وقتی که هم دارای خوف و هم رجاء باشد، دارای خوف و رجاء نخواهد بود مگر وقتی که به آنچه امید دارد و از آنچه می‌ترسد، عمل نماید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۱).

بیم از آن جهت اهمیت دارد که مکمل رجاء است، رجاء اصل است و بیم به عنوان مکانیزمی

۱. سوره کهف، آیه ۱۱۰

۲. سوره توبه، آیه ۱۸

۳. سوره نساء، آیه ۳۲

۴. سوره قصص، آیه ۶۷، سوره آل عمران، آیه ۱۳۰، سوره حج، آیه ===

۵. سوره اعراف، آیه ۵۶، سوره توبه، آیه ۱۰۲

۶. سوره بقره، آیه ۱۸۶

که موجب عدم قطعیت شده و پویایی و تلاش بشری برای رسیدن به مقصود و تعیین بخشی به امید را تسهیل و تقویت می نماید. اعراض کنندگان از امید و تلاش برای تعیین بخشی به آن در نقش ظالمانی تعریف می گردند که ناسپاسی خویش را متوجه خود کرده و خسارات بسیاری را بر خویشتن تحمیل می نمایند. عمل صالح به عنوان مصداق عینی امید عملی بشر و عامل پویایی و تعامل و تعالی انسان در سیر بی نهایتی است که با فرایندها، مراحل و مراتب گوناگون و بی شماری همراه است. امید موتور محرکه این روند و این راه بی نهایت است.^۱

۲-۵- امید به عنوان گفتمانی فراگیر: همانطوریکه اشاره شد امید گفتمان مسلط در قرآن کریم است و حتی این گفتمان در نقش پارادایم مسلط در مسیحیت تعریف می گردد و تمامی ادیان ابراهیمی امید سرمایه حیات انسانی است و مسیر نهایی انسان به حضور در پیشگاه الهی و دستیابی به مقام امن است که با زبانها، اصطلاحات، صورتها و مفاهیم متعدد در کتب آسمانی مورد اشارت قرار گرفته است. مسلط بودن گفتمان امید در اندیشه اسلامی واجد چند مختصه اساسی است:

۱. امید هم امری ابژکتیو است و هم سابژکتیو
 ۲. امید هم در زندگی فردی الگوی مسلط است و هم به عنوان یک امر اجتماعی تعریف می گردد. یعنی امر فردی در کنار امید جمعی
 ۳. امید هم امری این جهانی است و هم امر آخرت شناسانه و آن جهانی
 ۴. امید هم عامل پویایی و حرکت و عمل است و هم به مثابه غایتی که انسان به آنچه در پی آن است بر آن نائل می شود.
 ۵. امید هم کنش است و هم در نقش نظریه و اندیشه عمل زا
 ۶. امید هم یک تولید فردی، گفتمانی و درون زاست و هم یک سازه اجتماعی
- این مختصات به خوبی نقش و اهمیت امید، فراگیری، نظامات کارکردی و آثار و ترتیبات آن در حوزه اندیشه، ارزش، معنا و کنش را به تصویر می کشد. با این تعبیر امید دینی صرفاً یک برساخته ای که با آن می توان تصویری از آینده ای احتمالی داشت، تفسیر و معنا نمی شود، بلکه گفتمان امید، عامل پویایی، کنش، اندیشه آفرینی، اصلاح و بازاندیشی، روش شناختی و معرفت شناختی، الگویی هستی شناختی و مکانیزمی تحرک آفرین برای بشریت است که او را فقط به سوی انگیزش های رفتاری هدایت نمی کند، بلکه الگویی از زندگی، اندیشه و غایت می آفریند که به زندگی معنا می بخشد و سیر حرکتی انسان به سوی جهت مندی روشن را

^۱. این راه را نهایت صورت کجا توان بست کس صد هزار منزل بیش است در بدایت (حافظ)

مشخص می‌سازد. امید در نقش نورافکنی است که روشنی می‌بخشد، هدایت می‌کند، راه می‌نماید، اصلاح می‌کند، چراغ حرکت و پویایی را با نشان دادن غایت مشخص می‌سازد. بحران امید آنگاه آغاز می‌شود که بشر احساس کند در مسیر آینده خویش عاری از الگو و جهت‌نما و غایت شخص است «بحران امید ما معمولاً با این حس باید شروع می‌شود که کنترل خودمان یا سرنوشت خودمان را در دست نداریم» (===، ۱۳۹۹: ۵۰). ذهن عقلانی امیدآفرین است و می‌تواند از میان اعوجاج‌های معرفتی و حیرانی‌های ناشی از ناروشنی‌ها و ابهامات کدر بودن روندها و حرکت‌ها، جهت را یافته و به سوی هدف حرکت کند. این همان چیزی است که بشر به آن نیاز دارد، در غیر این صورت در چنبرهای تاریک ابهام و طوفان‌های سهمگین حیرانی و گرداب‌های هولناک و دهشت‌زای لادری‌گری و سرگردانی گرفتار می‌شود. ذهن عقلانی، امید را می‌آفریند تا به حرکت خویش تداوم بخشد و راه را از بیراهه تشخیص دهد: «باید ذهن عقلانی داشته باشی، شاید خویش‌تنداری نداشته باشی، اما در عوض کنترل معنی‌داری، این قدرت برتر توست. این موهبت توست، می‌توانی یعنی احساسات و محرک‌ها را کنترل کنی، می‌توانی آنها را هر طور که صلاح می‌بینی رمزگشایی کنی، می‌توانی نقشه راه را بکشی. این نهایت ارزشمندی است. چون معنایی است که به احساسات‌مان نسبت می‌دهیم، همان چیزی است که === تلاش می‌شود نحوه واکنش ذهن عاطفی به آنها را تغییر دهد» (همان: ۴۹).

بنابراین امید امری فراگیر است که تمامی ساحت‌ها، لندیشه‌ها، کنش‌ها، انگیزش‌ها و تمایلات انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امید در نقش یک محرک است که دائماً نیازمند نوسازی، بازلندیشی، تحرک و تکاپو را به ما تحمیل می‌نماید. امید یعنی راهی به سوی بی‌نهایت جاری است که باید دائماً بازسازی، نوسازی و تکامل یابد: «بنابراین امید مخرب است، امید به نپذیرفتن «آن چرا اکنون هست» نیازمند است. چون امید نیازمند این است که چیزی معیوب باشد، امید نیازمند این است که ما بخشی از خودمان، یا بخشی از جان را انکار کنیم و از آن دست بکشیم، امید نیازمند این است که ضد چیزی باشیم» (همان: ۱۱۹). آنچه پویایی انسان را متعین می‌سازد همین نگرش به هستی است که سکون عامل شکست، افول، تباهی و ناکارآمدی انسان است. امید طوفان‌گر است، طغیان‌گر است، آشوب‌کننده است تا وضع موجود را بشکند، از آن فراتر برود. افق‌های نویی را بیافریند و در آن نظاره کرده و مجدداً آن را نقد و به منازل دیگر حرکت کند. امید نقاد است، امید رادیکال است، امید پویاست، امید تحرک‌آفرین و طغیان‌گر است، و همین خاصیت امید است که جهان انسانی، ذهن انسانی، اندیشه و پویایی انسان را می‌آفریند. این امید محدود به تصویرسازی از آینده نیست، عین آینده

است، اندیشه آینده‌ساز است، تعیین‌بخش است و تصویرآفرین. اوست که تصویر می‌کند، می‌آفریند، حرکت می‌کند و به سوی غایت‌های بی‌نهایت حرکت می‌نماید و دیگران را با خویش همراه می‌سازد.

۲-۶- امید به عنوان سازه‌ای فردی و اجتماعی: امید امری تفویضی نیست، بلکه برساختی است که مداوماً ایجاد شده، تکامل می‌یابد و تکمیل می‌شود. اندیشه دینی انسان را به ساختن، فراتر رفتن، برساختن و توقف نکردن فرا می‌خواند. پویایی، مجاهدت، جهاد، کاوش برای رسیدن به مرزهای ناشناخته و دانش و اندیشه مستمراً مورد تأکید آیات الهی است به گونه‌ای که تطبیق بین کسانی که می‌دانند، علم می‌یابند و مرزهای آگاهی و دانش را می‌شکنند را قابل مقایسه با افراد عاری از این معنا نمی‌داند. به تعبیر دیگر انسان تماماً اندیشه است، تماماً آگاهی و دانش است^۱

این اندیشه مورد تأکید دینی است که انسان را به کاوش، اندیشیدن، نوآوری، فراتر رفتن و کنار نیامدن با وضع موجود فرا می‌خواند. امید بدین طریق دائماً در حال ایجاد است در فرد برای اینکه خویشتن‌یابی خویش را تکامل بخشد، در پدر و مادر برای اینکه حقیقت خویش را در وجود دیگری تداوم بخشند، در دانشوران برای اینکه بذر اندیشه، معرفت، آگاهی را در بشر زنده و پایدار سازد، در منادیان آزادی و نقد برای اینکه حقیقت انسانی را از نو بازکاوی کرده و انسان را با حقایق و شاخص‌های دقیق‌تری بازنمایی نمایند، برای خردورزان و عقل‌اندیشان دینی برای اینکه معرفت دینی و آگاهی از خویشتن، جهان، هستی و خالق را تکامل و نوسازی نمایند. امید نقطه ایستایی نیست، بلکه کانون تحرک است و پویایی و ساختن و فراتر رفتن. دین از امید چنین پنداشتی دارد. لذت دین‌اندیشی، خردورزی، اندیشه‌خویی دینی با این مختصات تعریف و مفهوم‌سازی می‌شود. کانت می‌گوید: «باید با انسانیت نه فقط به عنوان وسیله بلکه به عنوان خود هدف برخورد کرد» (===، ۱۳۹۹: ۱۴۲). او اولین اصل را اصل «فرمول انسانیت» می‌نامد: «کانت اساسی‌ترین وظیفه اخلاقی را حفظ و رشد آگاهی می‌داند، هم در خودمان و هم در دیگران. او این اصل را همیشه در اولویت قرار دادن آگاهی را «فرمول انسانیت» نامید (همان: ۱۴۱). از نظر کانت بهترین راه بهبود خودمان است. کانت به این نتیجه رسید که «تنها راه منطقی برای بهبود جهان، بهبود خودمان است. با بزرگ شدن، فضیلت‌مند

۱. ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

گر گلست اندیشه تو گلشنی و بود خاری تو هیمة گلخنی (مثنوی مولوی)

شدن، یعنی اینکه هر لحظه تصمیم بگیریم، هر لحظه خودمان و دیگران را به عنوان هدف برخورد کنیم، نه وسیله، صادق باشید» (همان: ۱۴۴).

ارنست بکر که از شکاکان انسان‌گراست معتقد بود چیزی باید انسان را به کائنات پیوند دهد تا امکان حرکتی انسان تداوم بخشیده «باید نیرویی وجود داشته باشد که بتواند خواست انسان را برای زندگی کردن به گسترش فزاینده کائنات مرتبط کند» ما باید این حرکت متحد کننده را به منزله «سردمدار امید» گرامی بداریم» (سیولی، ۱۳۹۱: ۲۳۲).

پایه هستی بر تلاش و نوسازی و برساخت و فراتر رفتن و نوسازی استوار است. آنچه در هستی بشری امروزه تعین و تجلی دارد نتیجه هستی حرکت برساخته‌ای است که باور دینی بر آن تأکید و سیر نهایی انسان به سوی تعالی است. این تعالی‌گری هم در حوزه ذهن و اندیشه مداوما نوسازی و تکوین می‌یابد و هم در تعینات و امور مادی که خمیره اندیشه و جسم و تجلی آن انسان را دائماً می‌سازد و فراتر می‌رود و الگوی دینی زندگی این را کوششی بی‌نهایت برای رسیدن به حقیقت خویش و حقیقت هستی تفسیر می‌نماید. و راهیست به سوی ازلیت و تکامل بی‌حد و حصر که ریشه در حقیقت الهی و علم بی‌نهایت هستی دارد.

نتیجه‌گیری:

امید را می‌توان یکی از مفاهیم بنیادین در ادیان ابراهیمی تصور کرد که انسان به عنوان سوژه‌ای پویا، با اتکاء به آن جهت، حرکتی و هدفمندی خود را تحقق بخشیده و با نگاه به جهان هستی و ادراک روشن از خویشتن و رجوع به باورهای اعتقادی در تلاشی مستمر برای تحقق خویشتن حقیقی خود است. بارها شنیده شده است که بزرگان و اندیشمندان امید را موتور محرکه انسان برای پویایی، تلاش، خلاقیت و نگاه به آینده معرفی کرده‌اند. گرچه برخی فیلسوفان مثل نیچه، کامو، سارتر،... امید را امری واهی تصور و جهان را به محدوده جهان فیزیکی مضیق می‌دانند، بنابراین امید را بر نمی‌تابند، اما آنچه در تمامی ادیان و بویژه در کلام و بیان الهی تمامی مذاهب الهی متجلی و متبلور است، مسأله امید یک بنیان اساسی برای هدفمندی، غایت‌مندی و تعالی‌جویی انسان محسوب می‌شود. امید هم در دنیای این جهانی و هم در گفتمان آن جهانی انسانها نقشی اساسی ایفا می‌نماید. انسان مایوس در چنبره‌های تاریک آینده گرفتار و حرکت و غایت روشنی برای خویش تصور نمی‌کند. این در حالیست که ایمان جهان را در قالب و ساختار معنایی خاصی قرار می‌دهد که نیاز انسان به تداوم «وجودی» و غایت‌مندی حقیقی، امیدوار می‌سازد. معنا آنگاه که با ایمان گره می‌خورد در قالب اعتقاد خود را پدیدار می‌سازد و به زندگی ارزش‌نویین و تعالی‌بخشی می‌بخشد که در تمامی شئون ذهنی،

معرفتی، ارتباطی و کنش‌های رفتاری انسان جاری می‌گردد. بنابراین دین را می‌توان یکی از اساسی‌ترین سرچشمه‌ها و «منابع معنا» دانست که ضمن تعریف جهان، هستی، انسان و جامعه به پویایی و کنش انسانی جهت می‌دهد.

اسلام به عنوان کاملترین دین الهی واجد گفتمان کاملی از امیدمندی است. آیات متعدد قرآن کریم گویای این حقیقت است که خالق جهان خود را منادی امید، بخشش، رحمت، فضل، کرامت، کریمیت و احسان معرفی می‌نماید. انسان را مداوماً و با زبان‌ها و مفاهیم متعدد مورد استمالت قرار داده و برای او افقی تعریف می‌کند که در قرب خویشتن قرار می‌دهد. انسان اشرف مخلوقات تصور و جهان واجد غایتی می‌شود که لحظه‌ای از حرکت به سوی آن حقیقت توقف ندارد. معرفت، معنا، ایمان و امید بنیان‌های ادراکی، تفهیمی و حرکتی انسان تعریف می‌شوند که در آیات متعدد قرآن کریم تجلی دارد. قرآن کریم ضمن اینکه انسان را به تفکر، تنبه، تأمل‌گرایی، گفتمان‌اندیشی، خردورزی و عقلانیت دعوت می‌کند، برای او روند حرکتی این جهانی و آن جهانی را تصویر می‌نماید. تعریف الگوی زندگی مناسب، در کنار آزادی در انتخاب و عمل، گفتمانی است که قرآن کریم، امید را در متن آن تعریف و انسان را به سوی نظام معنایی و حقیقتی دعوت می‌کند.

در این گزارش نیز تلاش شده است با رجوع به اعتقادات و نظام معنایی ادیان ابراهیمی و همچنین برخی از اندیشمندان حوزه معرفتی در ادیان مسیحی و اسلام درباره مفهوم امید، ضمن تبیین ابعاد مفهوم شناختی امید، فرایندهای امید مورد کاوش و ارزیابی دین‌شناسانه قرار گیرد. انسان در ادیان الهی موجودی جاودانه است و مداوماً در مسیر تعالی و حرکت قرار می‌گیرد و در طی این مسیر، سلوکی دارد که حقایق درونی و هستی‌شناختی خود را با اتخاذ نظامات معرفت‌شناختی، تحقق می‌بخشد تا به مرزهای مناسبی دست می‌یابد. جهان فیزیکی، مرحله‌ای از وجود است که زمینه‌ساز حرکت و تعالی بشر است، اما این حرکت در این مرحله متوقف نماید و در جهان‌ها و مراحل دیگر تکامل و تداوم می‌یابد. خدای هستی، امید و عشق را در پیوند با یکدیگر قرار داده تا انسان با اتکاء به این دو موتور اساسی شوق و شغف خویش برای یهودیان این مسیر پرسنگلاخ را از کف نهد تا به غایت مقصود نائل آید. امید انسان را به حرکت و پویایی و تلاش و این کنش‌مندی مراحل تکاملی انسان را تسهیل و تعیین می‌بخشد. صبر، جهاد، تلاش، کاوش، مقاومت، معنایابی، خویشتن‌اندیشی و عقلانیت و معرفت، مفاهیمی است که امید را تکامل بخشیده و به سوی عقلانیت و خردمندی و معنایابی دقیق هدایت می‌نماید. بنابراین مسیر تکاملی انسان بهشت ختم نمی‌شود بلکه معنا، معرفت و تعالی و ادراک دقیق و زدودن تمامی عوامل ره زن از هستی وجودی خویشتن و رسیدن به

قرب و مرحله رضایت حقیقی غایت حقیقی انسان است. انسان با این امید است که رنج‌ها، مصائب و مشکلات را تحمل و در قالب یک سوژه پویا معنایابی، تعالی جویی و ایمان خویش را تکمیل تا به مرحله مقصود می‌رسد. این گزارش تلاش داشته است با رجوع به باورها و معانی دینی، مسأله امید را مورد کاوش و تبیین قرار دهد.

منابع:

ایگلتون، تری (۱۳۹۸)، *امید، بدون خوش بینی، معظم وطن خواه*، مسعود شیربچه، نشر گسترده، چاپ اول.

سیولی، آنتونی، هنری، بی‌بیلر (۱۳۹۱)، *نیروی امید بر مشکلات دلهره آور زندگی تان غلبه کنید*، هر چه باشد، ترجمه مریم تقدیسی، نشر ققنوس.

صادقی، مسعود (۱۳۹۷). *تحلیل معیار عقلانیت و وجوه اخلاقی امید*، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی، آیینہ معرفت، دانشگاه شهید بهشتی، سال هجدهم، شماره ۵۷، زمستان.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارلکتب اسلامیه، جلد ۲.

کونگ، هانس (۱۳۹۱)، *هنر زیستن: تأملاتی در معناداری زندگی*، ترجمه حسن قنبری، انتشارات دانشگاه ادیان مذاهب، چاپ اول.

منسن، مارک (۱۳۹۹)، *اوضاع خیلی خراب است: کتابی درباره امید*، ترجمه سمانه پرهیزگاری، نشر میلکان، چاپ دوازدهم.

وارد، کیت (۱۳۹۰)، *معنای زندگی، دین و مسأله معنا*، ترجمه اعظم پویا، نشر ادیان، چاپ دوم.

Augustine, Saint (1959), *Sermons*, 87.3.

Kelly, Anthony (2006), *Eschatology and Hope*, New York Maryknoll: Orbis books.

Keshgegian, Flora (2006), *Time for Hope: Practices for Living in today's world*. New York: Continuum.

Moltmann, Jurgen (1975), *The Experiment Hope*. London: SCM Press.

Moltmann, Jurgen (2004), *In the end: the beginning – the life of hope*. Fortress Press.

Tinder, Glenn (1999), *The Fabric of Hope*. Emory University Studies in Law & Religion. Scholars Press.